

Arnav and His Different Answer!

آرناو و پاسخ متفاوتش!



A Teacher teaching Math to a seven year-old Arnav asked him, "If I give you one apple and one apple and one more apple, how many apples will you have?" Within a few seconds Arnav replied confidently, "Four!"

The **dismayed teacher** was expecting an effortless correct answer (three). She was disappointed. "Maybe the child did not listen properly", she thought. She repeated, "Arnav, listen carefully. It is very simple. You will be able to do it right if you listen carefully. If I give you one apple and one apple and one more apple, how many apples will you have? "

Arnav had seen the disappointment on his teacher's face. He **calculated** again on his fingers. But within him he was also searching for the answer that will make the teacher happy. This time hesitatingly he replied. "Four....."The disappointed stayed on the teacher's face.

She remembered Arnav loves Strawberries. She thought maybe he doesn't like apples and that is making him lose focus. This time with **exaggerated** excitement and **twinkling eyes** she asked, "If I give you one strawberry and one strawberry and one more strawberry, then how many will Arnav have?"

Seeing the teacher happy, young Arnav calculated on his fingers again. There was no pressure on him, but a little on the teacher. She wanted her new **approach** to succeed. With a **hesitating smile** young Arnav **enquired**, "Three"?

The teacher now had **victorious smile**. Her approach had succeeded. She wanted to **congratulate** herself. But one last thing remained. Once again she asked him, "Now if I give you one apple and one apple and one more apple, how many will you have?" **Promptly** Arnav answered, "Four!"

The teacher was **aghast**. "How Arnav, How?" she demanded in a little **stern** and **irritated** voice. In a voice that was law and hesitating young Arnav replied, "Because I already have on apple in my bag"

Moral of the Story: When someone gives us an answer that is different from what we are expecting, not necessarily they are wrong. There may be an angle that we have not understood at all.

لغات و اصطلاحات مهم:

Dismayed teacher = disappointed teacher = معلم ناامید

Calculate = compute = حساب کردن

Exaggerated /ɪg'zadzəreɪt, eg-/ = بیش از اندازه

Approach /ə'prəʊtʃ/ = method = روش

Hesitating = با شک و تردید

Victorious = prizewinning = پیروزمندانه

Congratulate /kən'grætʃuleɪt/ = wish joy to = تبریک گفتن

Promptly /'prɒm(p)tli/ = immediately = سریعا

Aghast /ə'gɑːst/ = astonished = مات و مبهوت

Stern = severe = خشن

Irritated = annoyed = عصبانی

ترجمه

معلمی که به آرناو ۷ ساله ریاضیات تدریس می کرد ازش پرسید، "اگه من یه سیب و یه سیب دیگه و یه سیب دیگه بهت بدم، چندتا سیب داری؟" تو چند تانیه آرناو با اطمینان جواب داد، "چهارتا!"

معلم ناامید توقع یک جواب خیلی ساده رو داشت(سه). پیش خودش فکر کرد "شاید این بچه درست گوش نکرده". دوباره پرسید: "آرناو درست گوش کن. خیلی سادست. تو می تونی جوابشو بگی اگه درست گوش کنی. اگه من یه سیب و یه سیب دیگه و یه سیب دیگه بهت بدم، چندتا سیب داری؟"

آرناو احساس ناامیدی رو توی صورت معلمش دید. با انگشتاش دوباره حساب کرد. و دنبال جوابی هم بود که معلمش رو خوشحال کنه. جستجوش برای جواب درست نبود. این بار با دودلی جواب داد "چهارتا... ناامیدی و یاس توی صورت معلم موج میزد.

معلم به خاطر آورد که آرناو عاشق توت فرنگیه. فکر کرد شاید چون سیب دوست نداره نمیتونه جواب بده. این بار با ذوق و شوق زیاد سریعا پرسید، "اگه یه توت فرنگی و یه توت فرنگی دیگه و یه توت فرنگی دیگه بهت بدم، اونوقت چندتا توت فرنگی داری؟"

با دیدن معلم خوشحال، آرناو جوان دوباره با انگشتاش حساب کرد. معلمش استرس زیادی داشت. می خواست با روش جدیدش به موفقیت برسه. با یه خنده تردید آمیز آرناو جواب داد "سه تا؟"

معلم یه خنده پیروزمندانه رو لبش نشست. روشش جواب داده بود. می خواست به خودش تبریک بگه. اما یه چیز باقی مونده بود. یه بار دیگه از آرناو پرسید، " حالا اگه یه سیب و یه سیب دیگه و یه سیب دیگه بهت بدم چندتا سیب داری؟" آرناو به سرعت جواب داد، " چهارتا!"

معلم مات و مبهوت موند. او با لحنی خشمگین و عصبانی پرسید " چطوری آرناو، چطوری آخه؟" آرناو به آرامی و با تامل جواب داد: " چون من تو کیغم یه سیب دیگم دارم".

پند اخلاقی داستان: زمانی که کسی به شما جواب متفاوتی از چیزی که شما توقع دارید می دهد، لزوماً اشتباه نیست. شاید جنبه دیگری وجود دارد که ما اصلاً متوجه آن نشده ایم.

برای دریافت داستان های بیشتر سری به این وبلاگ بزنید.

<http://easygrammar.blog.ir>

و یا عضو کانال تلگرامی ما شوید

<http://telegram.me/easygrammar>

<http://telegram.me/easygrammar>